

# جنبه فرهنگی رادیو

در بین سال‌های ۱۹۳۸-۱۹۴۸

# Radio



قسمت دوم

## ● جودیت اسمیت

مترجم: زهره جنابی

در آن زمان، برنامه‌های پیشنهادی به کورویین، مجموعه برنامه‌های در جستجوی خوشبختی (The pursuit of Happiness) نام داشت که هدف از تولید آن، افزایش خودآگاهی و غرور در میان آمریکاییان بیان شده بود. این برنامه برای نخستین بار در نوامبر ۱۹۳۹ پخش شد که در آن آثاری از گرایش‌های سیاسی به چشم می‌خورد.

پس از آن ادی گرین (Eddie Green)، کم‌دین سیاه پوست، در یک نمایش کوتاه و شاد کم‌دی، نقش کریستف کلمب را اجرا کرد. ریموند می‌سی (Raymond Massey) که در صحنه نمایش، نقش لینکلن را بازی کرده بود، قرائت بخشی از آبراهام لینکلن ایلینویز (Abe Lincoln illinois) را برعهده

موزیکال برگرفته از وادویل (نمایش چندگانه شامل رقص و آواز و عملیات آکروبا تیک و نیز ترانه و جاز) درهم آمیزند. در پاییز ۱۹۳۹، زمانی که سرپرست پخش تولید برنامه (Sustaining Program) (برنامه‌هایی که هزینه تولید آن را خود شرکت می‌پردازد، نه شرکت‌های آگهی‌دهنده) شبکه CBS، از نورمن کورویین خواست که کارگردانی چند برنامه متنوع جدید را برعهده بگیرد. او تا حدودی به این رسوم و سنت‌ها نزدیک شده بود؛ زیرا معتقد بود، برنامه نمایشی، فرصتی است برای به رسمیت شناساندن چندنژادی و گاهی اوقات دموکراسی کارگران میان‌نژادی (وابسته به دو یا چند نژاد گوناگون).<sup>(۱)</sup>

همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، نمایش و برنامه‌های موزیکال محلی، دستاوردی از فرهنگ چپ‌گرایان بودند که در مکان‌هایی چون اردوگاه‌های تابستانی جنبش‌های کاری به نمایش درآمده یا اجرامی شدند. دیننگ نقل می‌کند که نمایش موزیکال محلی، درعین حال یکی از عناصر تئاتر موزیکال ائتلاف احزاب چپ و میانه رو به شمار می‌آمد و از نمونه‌هایی چون گهواره تکان خواهد خورد (Will Rock The Cradle Blit steinz) اثر مارک بلیزشتاین (Marc Blit steinz) و همچنین برای شادی جست و خیز کن (Jump for Joy) اثر دوک الینگتون (Dake Ellington) یاد می‌کند.

این دو نمایش، با مردمی بودن و شهرت خود توانستند عقاید سیاسی را با سبک‌های



داشت. این نمایش نامه معروف، اثر رابرت شرود بود که پیش از این نیز جوایزی را از آن خود ساخت.

سرپرستی این نمایش برعهده برجیس مردیت (Burgess Meredith) بود که بعدها در سال ۱۹۴۵، زمانی که در نقش ارنی پایل (Ernie Pyle) در فیلم **داستان سرباز آمریکایی** (The Story of GI Joy) بازی می کرد، از او خواسته شد در برنامه محبوب آمریکاییان با نام **بنده خدا** (everyman) نیز هنرنمایی کند.

چهارمین برنامه متنوع نمایشی عبارت بود از یک ترانه هاوایی، تک خوانی فکاهی (خنده آور) که در یک فروشگاه لباس اجرامی شد، گزارشی درباره فرهنگ عامیانه یا باورشناسی مردم آمریکا درخصوص چربی مارزنگی و صحنه کوتاهی از اظهار نظر منتقد سرشناس ادبی، کارل ون دورن (Carl Van Doren) درباره بنجامین فرانکلین (زندگی نامه ای که توانست جایزه پولیتزر را کسب کند).

در آن زمان با آنکه پال رابسون (Paul Robeson) شهرت جهانی داشت، اما

نتوانسته بود در ساعات پرشنونده رادیو حاضر شده یا برنامه ای داشته باشد. نمایش **واریته ترانه ای برای آمریکاییان** بیشتر محصول تلاش چپ گرایان بود. در اصل این برنامه توسط افراطیونی چون جان لاتاچ (John La Touche) و ارل رابینسون (Earl Robinson) برای پروژه تئاتر فدرال و جهت اجرا در شعبه برادوی نوشته و تهیه شده بود.<sup>(۲)</sup>

### از رادیو برای ارسال پیام های فرهنگی ملی استفاده می شد تا میزان حضور آمریکاییان عادی در جنگ تقویت یافته و هر چه بیشتر شود.

اهمیت سیاسی شیوه اجرای **ترانه ای برای آمریکاییان** توسط رابسون در برنامه **در جست و جوی خوشبختی** توسط عده ای دیگر هم ابراز شده است.

این برنامه با دیگر اشکال تولیدات تدریجی و آتی رادیو همزمان شده است. اریک بارنو (Erik Barnouw)، در سال ۱۹۴۵، از این موضوع به عنوان «بازوی موزیکال برای توسعه و گسترش نمایش نامه های مستند» یاد کرد.

برخلاف آنچه قبلاً معمول بود، در این ترانه، آشکارا به مجازات های بدون محاکمه اشاره شده که همین امر دلیل قاطعی برای حقوق بشر است (انسان سفیدپوست هرگز نمی تواند آزاد باشد، اگر برادرش در اسارت به سر برد). سرانجام اقتدار سیاسی و شخصیتی رابسون سبب شد که اجرای بی نظیر این ترانه به صورت ضرورتی در جهت اعطای حق کامل شهروندی برای آمریکاییان آفریقایی تبار و بازپس گرفتن تمامی حقوق و وعده و وعیدهای عمل نشده درباره دموکراسی خاتمه یابد.<sup>(۳)</sup>

**در جست و جوی خوشبختی**، تلفیقی است از آمریکایی بودن و تنوع، که در عین حال فرصت های بی نظیری را برای هنرمندان نمایش های موزیکال محلی از جمله بتی کامدون (Betty Comdon) و آدولف گرین (Adolf Green) فراهم ساخت. اجرای برنامه کوتاه کمدی، توسط پسر یک کارگر پوشاک، یعنی دانی کی، (Danny Kaye) و نیز وودی گوتری (Woody Guthrie)، خواننده ترانه های غمناک و تصنیف های عاشقانه و غم انگیز، باعث شد همگی آنها به بازیگرانی هنرمند در مرکز تفریحی بورش (Borscht) تبدیل شوند.

حتی مراسم گرامی داشت دموکراسی آمریکایی نیز به رادیو کشیده شد و همین موضوع سبب شد یک اپرای رادیویی درباره ماگنا کارتا (Magna Carta) (اولین سند حقوقی مدنی مردم انگلیس که در ۱۲۹۵ به امضا رسید) در این روز اجرا شود.

این برنامه توسط مکس ول اندرسون (Maxwell Anderson) و کرت ویل (Kurt Weill)، نوشته شده بود و والتر هوستون (Walter Hoston) نقل روایت داستان و ترانه خوانی آن را برعهده داشت.

با وجود هیجان‌ناک پدید آمده، به دلیل اجرای خوب رایسون در این نمایش بخش‌های بسیار کمی برای هنرنامه‌ی هنرمندان سیاه‌پوست لحاظ شد؛ برای مثال، آرنولد رامپرساد (Arnold Rampersad) در مورد لانگ ستون هوگس (Langston Hughes) عکاس، می‌گوید:

«وی دو نسخه پیش‌نویس را برای نمایش‌نامه ارائه داده بود که هیچ‌کدام پذیرفته نشدند. این نسخه‌ها شامل نمایش‌نامه‌های موزیکال‌ش با عنوان **سازمانگر** (Organizer) بوده که به نظر ما، نمایش‌نامه‌ای بحث‌برانگیز و جدل‌آفرین بود و ما نمی‌توانستیم تحت عنوان نمایش‌نامه‌ای اساساً دراماتیک، با آن احساسی برخورد کنیم».

احتمالاً هوگس تنها توانست این نسخه دست‌نویس را با عنوان ساده **نمایش‌نامه‌ی واشنگتن** به فروش برساند که در هفتم آوریل ۱۹۴۰ از رادیو پخش شد؛ درست همان روزی که اداره پست دولت آمریکا، تمبری را با همان ویژگی منتشر کرد.

کوروین در گزارشی که به شبکه ارسال کرد، ضمن شرح وقایع، درخصوص استیصال و ناتوانی‌اش این‌گونه توضیح می‌دهد که: «این طرح تنها قاعده و چارچوبی جدید، برای عناصر و محیط‌های کهنه، فرسوده و سنتی بوده است.»

پخش این مجموعه نمایشی پس از اجرای ۳۰ قسمت از آن، در پنجم ماه می ۱۹۴۰ خاتمه یافت.

فراگیر شدن تعریف نژادی و طبقاتی از لغت «آمریکایی» از طریق موسیقی محلی، انگیزه‌ای پیشرفته را در ورای نمایش

موزیکال قومی - محلی، برای تولید برنامه‌ای به وجود آورد که با عنوان **از هر جا که آمدم به همان جا برمی‌گردم** (Back where I come from) در پاییز ۱۹۴۰ و زمستان

### نظارت بر محدودیت‌های سیاسی رادیو، بسیار دشوار بوده است، اما محافظه‌کاران کنگره (همایش) همیشه سعی داشتند که این گرایش را به چالش کشانیده یا آن را به یک صحنه مبارزه تبدیل کنند.

۱۹۴۱ توسط آلن لوماکس (Alan Lomax) و نیکلاس ری (Nicholas Ray) به سفارش شبکه CBS، تهیه و تولید شد.

مجریان این برنامه را هنرمندان سرشناسی چون خواننده‌های موسیقی بلوز آمریکایی<sup>(۴)</sup> - آفریقای جنوبی از قبیل لدبلی

(Lead Belly) و جاش وایت (Josh White) و نیز گروه موسیقی گاسبل<sup>(۵)</sup> (Gosbel)، یوبیل (Jubilee)، دسته موسیقی چهارنفره گلدن گیت (Golden Gate) و وودی گوتتری (Woody Guthrie) (خواننده و گیتارنواز آمریکایی) تشکیل می‌دادند.

در آن زمان لوماکس (Lomax) در حال جمع‌آوری اطلاعات درباره موسیقی‌های محلی و تکمیل بایگانی موسیقی‌های قومی و محلی آمریکا برای کتابخانه کنگره (کتابخانه ملی آمریکا در شهر واشنگتن) بود. پیش از پخش برنامه کوروین، او فکر می‌کرد رادیو به دلیل قواعد و ساختارهای تجاری‌اش، در این خصوص، ویژگی‌های چندان قابل توجهی ندارد.

ری (Ray) از پروژه تئاتر فدرال رفته بود تا بتواند فعالیت‌های تئاتر روستایی خود را به سفارش سازمان احیای کشاورزی و شعبه تفریحی WPA سازماندهی کند. او در آنجا، رادیو را یک مکان اجرای نمایش جدید یافت، به گونه‌ای که از آن به عنوان «تئاتر محلی» یاد می‌کند.





لوماکس خاطر نشان می‌کند که ری تفکر جدیدی از تئاتر و نمایش‌نامه به وجود آورد و همین موضوع سبب شد که برنامه‌های موسیقی محلی آنها در سطح بسیار گسترده‌تری رواج و شهرت پیدا کنند: «برای نخستین بار، آمریکاییان صدای خود را شنیدند و این گونه به تمامی مدارس و مکاتب راه پیدا کرد».<sup>(۶)</sup>

Americans) که در سال‌های ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ از شبکه CBS پخش شد. همچنین برنامه‌ای با عنوان سیاه‌پوستان (Negro) و برنامه دیگری با عنوان یهودیان آمریکا (The Jews of the United States) که همگی اینها بخشی از رویکرد بدیهی در جهت توسعه این فرهنگ می‌باشند که آمریکایی‌بودن را تعریف می‌کنند (توضیح



سازمان‌های دولتی نیز هر کدام احکام جداگانه‌ای را صادر کردند تا از این طریق عامه مردم را با مضمون حق شهروندی آشنا تر ساخته، از این طریق زمینه‌های اجتماعی برای ورود احتمالی به جنگ جهانی دوم را فراهم کنند. در عین حال، به هنگام تاخت و تاز آزمایشی به تولیدات رادیویی، از نوعی نمایش‌نامه‌های دو رگه (پیوندی) تاریخی با شکل‌های گوناگون استفاده کردند.

این برنامه‌ها عبارت بودند از: دفتر آموزش (Office of Educations) از سری برنامه‌های همه آمریکاییان - همه مهاجران (All - Immigrants All)

می‌دهد که چه کسی را می‌توان یک آمریکایی دانست). سریال دوم که با عنوان ملت آزادی (Freedoms People) در سال‌های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ از شبکه NBC پخش شد، در صدد بود که با استفاده از فرهنگ و تاریخ سیاه‌پوستان، نشان دهد فرهنگ آمریکایی نشئت گرفته و وابسته به مشارکت فرهنگی سیاه‌پوستان است.

در این برنامه از اجرای بازیگران آمریکایی-آفریقایی چون: رابسون (Robeson)، جاش وایت (Josh White)، گروه موسیقی چهار نفره گلدن گیت (Golden Cate) و کانادا لی (Canada Lee) که با

فعالان ترقی خواه همکاری می‌کردند، استفاده شد.

ابتکار عمل دیگر دولت، نشئت گرفته از شعبه جدید رادیوی فدرال بود که با دفتر سرویس آمار و اطلاعات، همکاری می‌کرد و در نوامبر ۱۹۴۱ به نورمن کورون مأموریت داد که به مناسبت بزرگداشت یکصد و پنجاهمین سالگرد تصویب منشور حقوق شهروندان (Bill of Rights) نمایش‌نامه‌ای رادیویی بنویسد.

قرار بود این برنامه به طور همزمان از تمامی شبکه‌ها در یک ساعت مشخص پخش شود و در عین حال با گرامی داشت سنت‌های دموکراتیک مردمی آمریکاییان، تضاد میان این سنت‌ها با رفتارهای فاشیستی شایع در سراسر اروپا را به نمایش بگذارد.

پخش این برنامه در ۱۵ دسامبر، با عنوان این حقایق را پاس می‌داریم (We Wold These Truths)، تنها یک هفته پس از حمله به بندر پرل هاربر (در هاوایی آمریکا) صورت گرفت و همین موضوع سبب شد علاقه‌مندان و مشتاقان این برنامه، تقریباً به ۶۰ میلیون نفر برسد.

منتقدان نمایش‌های چندگونه (وارپته) با شناخت از رسوم و سنت‌های تشکیل دهنده ساختارهای سیاسی معمول، این گونه توضیح دادند که این نمایش تلاشی است نوین، در جهت برگرداندن و بیان کردن واژه‌های محلی موجود در آرمان‌گرایی انتزاعی (غیرواقعی)، که در قالب جملات نمایش آورده می‌شود؛ عقاید و باورهایی که در سینما توسط فرانک کاپرا (Frank Capra)، در تئاتر توسط رابرت شرود و در شعر توسط کارل سند برگ و استفان وینسنت بنت به کار گرفته می‌شوند. البته این باورها در سینما، تئاتر و شعر، ویژگی‌های خودشان را دارند؛ زیرا قبلاً از آنها در

نمایش‌هایی چون **کارگاه کلمبیا**، در **جست‌وجوی خوشبختی** و نیز توسط اورسون ولز در تماشاخانه تئاتر مرکوری استفاده شده بود.<sup>(۷)</sup>

ظاهراً، چگونگی ارسال پیام‌های اجتماعی ترقی‌خواهان، از طریق رادیو، هرگز زیر سؤال نرفته است.

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، نظارت بر محدودیت‌های سیاسی رادیو، بسیار دشوار بوده است، اما محافظه‌کاران کنگره (همایش) همیشه سعی داشتند این گرایش را به چالش کشانیده یا آن را به یک صحنه مبارزه تبدیل کنند.

کمیته دایلد (یکی از گروه‌های فعال ضد آمریکایی)، چگونگی پخش رادیویی را از سال‌های پس از ۱۹۴۰، بررسی کرده است.

در سپتامبر ۱۹۴۱، جرالند نای (Gerald Nye)، جدایی‌خواه برجسته‌ای که به خاطر گرایش‌های ضد یهودی‌اش معروف است، از مرکز نظارت و تحقیق مجلس سنا خواست که فیلم‌های سینمایی و تبلیغات رادیویی را بررسی کند. اما منطق «بسیج نظامی» همه‌گیر شده و حاضران سریعاً جلسه را تعطیل و بحث در این باره را به بعد موکول کردند.<sup>(۸)</sup>

حمله به بندر پرل هاربر و به دنبال آن اعلان جنگ، راه ورود ترقی‌خواهان را به رادیو بازتر کرد. اکنون، به دلیل تمامی این اهداف کاربردی و واقعی، جنبه فرهنگی رادیو، غیرقابل تشخیص شد.

از رادیو برای ارسال پیام‌های فرهنگی ملی استفاده می‌شد تا میزان حضور آمریکاییان عادی در جنگ تقویت یافته و هرچه بیشتر شود.

مخصوصاً پیش‌بینی می‌شد که تمامی شهروندان و سربازان آمریکایی، اعم از سفیدپوست و سیاه‌پوست، در جنگ شرکت کرده و تفاوت میان فاشیسم و

دموکراسی مردمی، پررنگ‌تر شده و بیش از پیش پدیدار شود. این نوع پوشش سبب شد که پیام‌های سیاسی به صورت نمایش‌نامه درآیند.

احتمالاً سرپیچی از قانون، در ابتدا از سوی شبکه‌ها در این زمان صورت پذیرفت و از این طریق، مرزها و محدودیت‌هایی که در اطراف اعتراض‌کننده‌ها و مخالفان اجتماع (به‌ویژه

### حمله به بندر پرل هاربر و

### به دنبال آن اعلان جنگ، راه

### ورود ترقی‌خواهان را به رادیو

### بازتر کرد. اکنون، به دلیل

### تمامی این اهداف کاربردی و

### واقعی، جنبه فرهنگی رادیو،

### غیر قابل تشخیص شد.

نویسنده‌های ترقی‌خواه که در هنگام جنگ برای رادیو مطلب می‌نوشتند) وجود داشت، به تدریج کم‌رنگ و ناپدید شدند.

بسیاری از افراطیون به این شغل روی آوردند. نورمن روستن (Norman Rosten) در این باره می‌نویسد: «تبلیغات، دیگر یک موضوع ادبی نیست، بلکه باور و عقیده‌ای است که مبارزه می‌کند.»

استفان وینسنت بنت که نمایش‌نامه رادیویی‌اش، در سال ۱۹۴۲ با عنوان **آنها**

**کتاب‌ها را آتش زدند** (They burned the book) به‌طور چشمگیری رفتارهای ضد فاشیستی را برانگیخت، خطاب به بسیاری از نویسندگان این گونه می‌نویسد: «من دیگر از گفتن این حقیقت که نویسندگان آمریکایی، امروز برای آن چیزی که به آن ایمان دارند، می‌نویسند و بحث می‌کنند، نه می‌ترسم و نه شرم دارم. دیگر نمی‌توان

انتظار داشت که تعهد نویسندگان آمریکایی این باشد که چشمان خود را بر روی حقایق زندگی ببندند، تنها به این خاطر که ممکن است ساختار زندگی‌شان دست خوش احساسات شود».<sup>(۹)</sup>

اگرچه این افراد در سطح بسیار گسترده‌تری، به روشنی در جملات و گفتارهای خود، از مضامین دموکراتیک استفاده می‌کردند، اما در عین حال فهرست مختلفی از اسامی افراد ظاهراً درگیر وجود داشت؛ کسانی که مکرراً در بیان یا توضیح هر یک از گروه‌های حامی جنگ از آنها نام برده می‌شد، اما اغلب نویسندگان ترقی‌خواه رادیو تنها کسانی بودند که مسئولیت هرگونه تلاش آگاهانه برای به رسمیت شناختن اشخاص آمریکایی - آفریقایی به‌عنوان آمریکاییان عادی برعهده آنها بود و گویی تنها اینان از نابرابری‌های نژادی و فعالیت‌های یهودستیزی، به‌عنوان موانع موجود در رسیدن به تعهدات آمریکایی یاد می‌کنند. حضور سربازان سفیدپوست آمریکایی در جنگ چشمگیر بود و روزبه‌روز هم بیشتر می‌شد.<sup>(۱۰)</sup>

اما در سال ۱۹۴۳ جنبش نویسندگان چاپ‌گرای هالیوود، با عنوان «تئاتر جهان آزاد» (Free World Theater)، تهیه و تولید نمایش‌نامه‌ای را درباره سربازان سیاه‌پوست، برعهده گرفت. این نمایش‌نامه با عنوان **چیزی برای جو** (Something for Joe) توسط هنرمندان برجسته سیاه‌پوست از جمله میلتن مرلین (Merlin Milton) و کلارنس موس (Clarence Muse) نوشته شد و بازیگران سرشناسی چون هازل اسکات (Hazel Scott) و لناهورن (Lena Horn) در آن ایفای نقش کردند.

نورمن کوروین هم نمایش‌نامه‌ای درام را درباره دوری میلر (Dorie Miller)، سرباز جزء و گمنام آفریقایی - آمریکایی نیروی دریایی، نوشت که به‌عنوان مأمور افسر



توپ و موشک ناو، در بندر پرل هاربر با نیروی دریایی هم سفر شد.

در نمایش دوری مدال گرفت (Medal Dorie got a) که در آوریل ۱۹۴۴ از شبکه CBS پخش شد، هنرمندانی چون کانادا لی، جاش وایت و گروه موسیقی چهار نفره گلدن گیت شرکت داشتند. موسیقی آن هم توسط جاش وایت و لانگستون هوگس (Langston Huges) تنظیم شده بود.

در سریال ۱۱ قسمتی همه مرا جو صدا می کنند (They call me Joe)، یک افسر نظامی سرگذشت خانواده اش را به صورت داستان بیان می کند، تا از این طریق گروه های نژادی، قومی و مذهبی در آمریکا را به خوبی بشناساند. موسیقی متن برنامه نیز برگرفته از ترانه ای برای آمریکاییان (Ballade for America) ساخته پاول رابسون (Poul Robeson) معروف بود که پیش از این در سال ۱۹۳۹، اجرای رادیویی آن، همگان را شگفت زده کرد.

نویسنده های این سریال عبارت بودند از: نورمن روستن و مورتون ویشن گارد (Morton Wishengard). این برنامه در سراسر آمریکا به عنوان بخشی از برنامه دانشکده هوا و فضای دانشگاه NBC، از شبکه های رادیویی نیروهای مسلح پخش شد.

در جمله آغازین هر برنامه، این اصطلاح چندگانه نظامی تکرار می شد:

- اسم من جو است - همه مرا جو صدا می کنند یا

- اسم من جوزپ (Giuseppe) است - همه مرا جو صدا می کنند یا

- اسم من جوزف است - همه مرا جو صدا می کنند.

بخش آخر نمایش نیز درباره آمریکاییان ژاپنی تبار بود.

تا سال ۱۹۴۴، محافظه کاران کنگره، آن قدر قدرتمند بودند که بتوانند علناً با

نام جوزف استالین است).<sup>(۱۱)</sup> به هرحال، این برنامه، طبق جدول از پیش تعیین شده، پخش شد.

در داخل ارتش هم از برخی نویسندگان ترقی خواه، که در ارتش ثبت نام کرده بودند یا به خدمت سربازی فرا خوانده شده بودند، خواسته شد که برای رادیو مطلب بنویسند و در عین حال به آنها اجازه داده شد که موضوعاتی را درباره ضدنژادی و ضدفاشیستی مطرح کنند؛ زیرا در آن زمان تصور می شد، همگی اینها، جنبه هایی از ایدئولوژی ارتش در زمان جنگ را بیان می کنند.

نویسندگان رادیویی چون آرنولد پرل (Arnold Perl) که از راه تهیه و نوشتن نمایش نامه های عادی، امرار معاش می کردند، ناگهان احساس کردند که دیگر آزادند و می توانند اعتقادات سیاسی ضد فاشیستی خود را ابراز کنند:

سرگرد پاول هورگن، مسئول تولید این برنامه در بخش آموزش و اطلاعات وزارتخانه جنگ، مخالفت کنند.

**رادیو هنر بزرگ زمانه است، ابزاری برای انجام سریع و مستقیم کارها و اهداف است و تنها چند ثانیه گوش دادن به رادیو برای ایجاد انگیزه و برانگیختن دیگران کافی است.**

از هوگن خواسته شد به خاطر استفاده از موسیقی متن و استفاده حساب شده از اسم «جو» از خود دفاع کند (تصور می شد که این اقدام به نوعی تداعی کننده و یادآور

«من می دانستم که کارآگاهان در داخل و خارج از رادیو، آدم را با مشکل مواجه خواهند ساخت و به خاطر آن چیزی که برنامه بزرگسالان نامیده می شود، کودکان را می ترسانند و با افراد هیچ کاره و ضعیف می جنگند. اولین فرصت در هنگام سپری کردن خدمت و وظیفه به من داده شد تا مطلبی برای رادیو بنویسم. در آن زمان قصد نداشتم نامی از من ذکر شود.»<sup>(۱۲)</sup>

مسئولیت میلارد لامپل (Millard Lampell) در رادیو، خود خدمتی بود در جهت تشریح برخی از فرصت های چندگانه ای که برای بیان احساسات سیاسی جناح چپ در رادیو، در این دوره وجود داشته است.

لامپل، پس از حضور در دانشکده که به دنبال کسب بورس تحصیلی فوتبال، در اواخر دهه ۱۹۳۰ صورت پذیرفت، برای مجله جناح چپ **جمعه (Friday)** و نیز **جمهوری جدید (New Republic)** مطلب می نوشت و با همکاری پی تی سی گر (Pete Seeger)، لی هیز (Lee Hays) و وودی گوتتری (Woody Guthrie)، گروه خواننده های آلمنک سینگرز (Singers Almanac) را تشکیل داد.

این گروه چندین موسیقی محلی را در اجتماع کارگران اعتصابی، در سالن اجتماعات اتحادیه، اردوگاه الوارسازی و محل گردهمایی معدن چیان، از مینه سوتا تا مونتانا و سواحل غربی، اجرا کردند. وی همچنین به عنوان یکی از اعضای این گروه به حزب کمونیست پیوست. اولین اجرای لامپل (Lampell) در فوریه ۱۹۴۲ صورت گرفت؛ هنگامی که نورمن کوروین، رقص محلی اسکوردانس (نوعی رقص محلی مردم آمریکای شمالی) را با اجرای گروه خواننده های آلمنک ضبط کرد. این برنامه با عنوان **بچرخ و بچرخ دور قبر هیتلر بگرد** (Round & Round Hitler's Grave) برای

اولین قسمت از مجموعه برنامه های **این جنگ است (This is War)** ضبط شده بود که از رادیو سراسری پخش شد. پس از آن، هایمن براون (Himan Brown)، لمپل را استخدام کرد. او اولین تهیه کننده رادیویی **قیام گلدبرگ (The Rise of Goldburg)** بوده که مسئولیت تولید چندین نمایش معروف آبیکی و نیز یک نمایش اسرارآمیز را برعهده داشت. او همچنین، بیشترین قسمت های نمایش **آمریکای دره سبز (Valley U.S.A Green)** را نوشته است. این سریال میهنی رادیویی، درباره یک گروه اقلیت آمریکایی در زمان جنگ بود که از موسیقی و داستان های آبیکی اغراق آمیز برای معرفی موضوعات و مضامین درونی تبعیض نژادی، کمک نظامی و خوراکی آمریکا به متفقین و نیز بازار سیاه (خرید و فروش قاچاق) استفاده می کرد.

**در داخل ارتش هم از برخی نویسنده های ترقی خواه، که در ارتش ثبت نام کرده بودند یا به خدمت سربازی فرا خوانده شده بودند، خواسته شد که برای رادیو مطلب بنویسند و در عین حال به آنها اجازه داده شد که موضوعاتی را درباره ضدنژادی و ضدفاشیستی مطرح کنند.**

همچنین لمپل برای یک سریال خصوصی تجاری دیگر، با عنوان **اوقات خانواده دوراندیش (Prudent Family Hour)** The، درباره کارگران محلی قهرمانی چون مایک فینک (Mike Fink)، جان هنری (John Henry) و جیم بریجر (Jim Bridger)

داستان هایی را نوشته است.

وی پس از پایان خدمت سربازی، از حزب کناره گرفت، اما همچنان برای نمایش نامه های رادیویی ارتش مطلب می نوشت، مخصوصاً برای دو سریال ویژه نیروی هوایی با عنوان های **اولین پرواز (Air First in the)** و **بال هایایی برای فردا (Wings for Tomorrow)**.<sup>(۱۳)</sup> **اولین پرواز** با هدف آماده سازی سربازان و خانواده هایشان و نیز مقدمات بازگشت آنها به خانه تهیه شده بود.

بعدها، دست نوشته های لمپل با عنوان **راه طولانی بازگشت به خانه (The Long way home)** منتشر شد. او در این کتاب شرح می دهد که چگونه کهنه سربازان و رزمنده های با تجربه باید خود را با شرایط پس از جنگ وفق دهند. وی در دو فصل از آن کتاب به زخم های ایجاد شده بر اثر تبعیض نژادی پرداخته است.

**پسری از نبراسکا (Boy from Nebraska)** the درباره بن کوروکی (Ben Kuroki) تنها ژاپنی آمریکایی است که قهرمان بودن خود را با رویدادها و رفتارهای ضد ژاپنی در کالیفرنیا، آریزونا، اورگان و نیوجرسی مقایسه می کند. این اثر، برنده جایزه ای از سوی کمیته نویسندگان جنگ شد. همچنین تقدیر نامه ای را از سوی مقامات سازمان بازسازی جنگ آمریکا دریافت کرد.

**شرح وقایع (Case History)** شرح حال خلبان قهرمانی است که اسکادران (گردان هوایی) جنگنده ۹۹ آمریکایی - آفریقایی را در ایتالیا همراهی می کند.

لمپل قصد داشت با استفاده از امکانات رسانه ای در اروپا، آمریکایی بودن این سربازان را زیر سؤال برده، به اثبات برساند. لمپل در مقام مدیر صحنه پیشنهاد می کند که مکالمه های نقش کوروکی با لهجه ای کاملاً ساده و واضح باختر میانه





دیگر این نمایش را در روز اول سال نو مسیحی تکرار کرد. همچنین اجرای مجدد این برنامه در آگوست ۱۹۴۰، در برنامه ویژه‌ای با عنوان تمامی فرزندان خداوند از رادیو CBS پخش شد. آلبوم ویژه رابسون که در آن ترانه‌هایی با عنوان صفحات پیروزی ضبط شده بود، در صدر جدول فروش آثار وی قرار گرفت. محبوبیت و شهرت این آواز، سبب شد، اجرای آن در سال ۱۹۴۰ توسط ارکستر فیладельفیا، بنابه درخواست کنگره ملی جمهوری خواهان و نیز توسط گروهی از پیشاهنگ‌های عضو سازمان جهانی پیشاهنگی، در فروشگاه زنجیره‌ای گیبیل تکرار شود.

تایم (Time)، در هشتم جولای ۱۹۴۰ گزارش داد، آثار ضبط شده رابسون با عنوان ترانه بیشترین فروش را در نمایشگاه RCA (نمایشگاه بین‌المللی شهر نیویورک) داشته است.

۴- نوعی موسیقی جاز که آهسته و حزن‌انگیز است.

۵- نوعی موسیقی توأم با آواز مذهبی که در میان سیاه‌پوشان آمریکا رایج است.

۶- دنیینگ توجه همگان را به سوی مسئولیت لوماکس در رادیو جلب کرد. آیزن شیت (Eizenchitz) در مصاحبه‌ای با لوماکس چنین می‌گوید: «در ابتدا فکر می‌کردم که این فقط یک شوخی است. اصلاً تصور نمی‌کردم که ممکن است شخصی تا این اندازه به کار در رادیو علاقه‌مند باشد. پس از آن که برنامه‌های کورویین را از رادیو شنیدم، به خودم آمدم و تازه آن موقع فهمیدم که رادیو هنر بزرگ زمانه است، ابزاری برای انجام سریع و مستقیم کارها و اهداف است و تنها چند ثانیه گوش دادن به رادیو برای ایجاد انگیزه و برانگیختن دیگران کافی است.»

لوماکس در سال ۱۹۴۱ شروع به کار کرد. وی در کنار جوزف لیز در گروهی فعالیت می‌کرد که مسئولیت‌شان جمع‌آوری مطالب مستند درباره زندگی در آمریکا بود. این برنامه یک سریال تجربی رادیویی بود که در آن به جای هنرمندان رادیویی، از مردم عادی برای بیان داستان زندگی‌شان استفاده می‌شد.

۷- واریته (Variety) در ۱۷ دسامبر ۴۱ تا ۱۹۴۴، با همکاری بنت، کورویین و سند برگ تهیه شد و بین سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱ در کارگاه کلمبیا به نمایش درآمد؛ کار دیگری از شروود در برنامه در جست‌وجوی

یادآوری می‌کنند که ما آمریکاییان هنوز از حقوق قانونی و مشروع خود برای زندگی، آزادی و جست‌وجوی خوشبختی لذت می‌بریم».

۲- جان لاتاچ شاعری از جناح چپ بود که بعدها غزلی برای کلبه‌ای در آسمان (The Lyrics for Colombia) را سرود.

ارل رابینسون شاعری متولد سیاتل بود که پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۹۳۳، عازم شهر نیویورک شد و به حزب کمونیست پیوست. او زمانی سرپرستی بخش موسیقی تئاتر کارگردان (Worker's Theater) را برعهده داشت. این بخش در سال ۱۹۳۵ در FTP ادغام شد. این موسیقی در ابتدا ترانه‌ای برای عمو سام نام داشت و قرار بود برای نمایش تفریحی برای عصرانه‌ات ترانه بخوان (Sing for Your Supper) تهیه شود. بنرمین این گونه نقل می‌کند که «رابینسون با پیشنهاد نورمن کورویین این ترانه را کمی اصلاح کرد».

۳- اجرای رابسون، ابزار احساسات پرشور و طولانی و جنجال برانگیزی از سوی ۶۰۰ نفر شنونده حاضر در استودیو را به همراه داشت. به نقل از نویسنده شرح زندگی رابسون، حضار شرکت‌کننده در استودیو، برای بیش از دو دقیقه به پایکوبی، فریاد زدن و تحسین وی پرداختند، آن‌هم در شرایطی که تا ۱۵ دقیقه بعد، این نمایش به صورت زنده از رادیو پخش می‌شد.

شنونده‌های رادیو، دو ساعت بعد از همایش و همچنین روزهای بعد از آن، و حتی از طریق نامه، سعی می‌کردند درباره این اجرای بی‌نظیر اظهار نظر کنند. رابسون بار

(بخشی از ایالات متحده که میان کوه‌های راکی و مرز شرقی اوهایو و شمال ایالت اوکلاهما قرار دارد) خوانده شود. همچنین آهنگ‌های محلی آمریکایی، با کلید مینور (Minor Key) در موسیقی پس از هر حادثه ناشی از تعصب نژادی نواخته شود.

او همچنین توصیه کرد، اش بور (bor Ash)، شخصیت آمریکایی - آفریقایی، هیچ لهجه خاصی نداشته باشد؛ زیرا شنونده‌ها تا زمان پایان نمایش اصلاً متوجه سیاه‌پوست بودن شخصیت اصلی نمایش نشوند.

درعین حال خاطر نشان می‌سازد که جزئیات داستان، از جمله داستان خانواده‌اش، نوع اشعار کلاسیکی که او به خاطر می‌آورد و اولین تجربه پروازش، اهمیت فراوانی دارند؛ زیرا همگی اینها برای یک سیاه‌پوست اتفاق می‌افتند.

پاورقی:

۱- پخش اعلام برنامه شبکه CBS، عناوین برنامه‌های تفریحی آموزشی خود را از اعلام دیگر برنامه‌ها، با آرم و علامتی خاص جدا ساخته بود که بخشی از آن این گونه خوانده می‌شد: «در جست‌وجوی خوشبختی به جنگ یا مسائل نشئت گرفته از آن نمی‌پردازد. این مسائل ذهن ما را منحرف می‌کنند، اما در عوض به ما



خوشبختی در سال ۱۹۳۹ اجرا شد؛ در سال ۱۹۴۰ نیز اقتباسی از فیلم آقای دید به شهر می رود (Mr. Deeds Goes to Town) اثر کاپرا (Capra) در تماشاخانه کمپل از تئاتر مرکوری به نمایش درآمد.

۸- بارنو، تحلیل و بررسی کمیته دایز (Dies) از پخش رادیویی از سال‌های دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۷ را بررسی کرد. به نقل از دوروتی (Dorethy) و هیلمز (Hilmes)، صنعت فیلم دفاع بسیار قوی و یکپارچه‌ای را از خود نشان داد، MPAA با استخدام ویندل ویلکی (Willkie Windell)، از وی خواست نمایندگی این صنعت را برعهده بگیرد و او نیز با پیوستن به هاری وارنر (Harry Warner) و داریل زانوک (Darryl Zannuck)، دادخواستی را به خاطر موضع ضد نازیستی هالیوود تهیه کرد.

۹- با آنکه بنت (Benet) در مارس ۱۹۴۳ فوت کرد، اما نمایش‌های رادیویی اش در سال ۱۹۴۵، با مقدمه‌ای از نورمن روستن منتشر شدند. این کتاب با عنوان آنها کتاب‌ها را سوزاندند، از سوی هیئت نویسنده‌های جنگ، به صورت رایگان، برای صدها ایستگاه پخش رادیوی محلی و همچنین مدارس و اردوگاه‌های نظامی که به عنوان مراکز جمعیتی محسوب می شدند، ارسال شد.

۱۰- هیلمز معتقد است که رادیو نقش بسیار مهمی در به جریان انداختن شکایاتی ایفا کرده است که با استفاده از ابراز مخالفت با فاشیست، تبعیض نژادی را مورد انتقاد قرار می دادند. نظر او این است که رادیو توانسته با ارائه چهره‌های جدیدی از سیاه‌پوستان و گروه‌های اقلیت، با آنها همزیستی مسالمت‌آمیز داشته و یا حتی با خصوصیات یا شخصیت‌های برجسته آنها به مخالفت پردازد.

۱۱- این دست نوشته‌ها تألیف هری کلینر است که وی نیز از کارگاه کلمبیا برای نوشتن تجربیات هفتگی اش الهام گرفته است. او زمانی که در مدرسه عالی هنرهای نمایشی یل (Yale)، دانشگاه تمپل (Temple) تحصیل می کرد، برای یک ایستگاه رادیویی محلی در فیلادلفیا، این سریال‌های نمایشی را نوشته است. نام ویشن گراد (grad Wishen) تداومی کننده دیگر نمایش‌های رادیویی است، از جمله: نبرد در محله یهودیان ورشو (The Battle of the warsaw Ghetto)، که جوایزی را نیز از آن خود ساخته است و موضوع آن مقاومت یهودیان در برابر نازیسم بوده که به سفارش انجمن یهودیان آمریکا

در روز جشن (eve of Yorn Kippar) در سال ۱۹۴۳ از شبکه NBC پخش شد و پس از آن، متعاقب درخواست‌های مکرر شنونده‌ها، پخش آن، دوبار دیگر نیز تکرار شد. هیئت نویسنده‌های جنگ نیز، آن را بهترین نوشته جنگی ماه انتخاب کرد و نسخه‌هایی از آن را برای خارج از کشور ارسال نمود.

همچنین نمایش نامه دیگر ویشن گراد، با عنوان برای ملت آمریکا (the American People) در سال ۱۹۴۵، به تشریح وضعیت پناهنده‌های یهودی پرداخت که از خانه‌های خود در اروپا رانده شده‌اند. پاول مون (Muni Paul) نقل داستان را برعهده داشته و اجرای آن نیز برعهده موریس کارنوووسکی (Morris Carnovsky) و روت نلسون (Ruth Nelson)، از هنرپیشه‌های قدیمی گروپ تئاتر بوده که در پنج جولای ۱۹۴۵ از شبکه ABC پخش شد.

نام این نمایش به عنوان یکی از بهترین اجراهای نمایشی سال ۱۹۴۵ ثبت شده است. نمایش‌های رادیویی روستن که قهرمانی‌های ارتش سرخ در مبارزه با تروریست‌های نازی را شرح داده و با همکاری کمیته رفاه و جنگ روسیه نوشته شده است، جایزه‌ای را کسب کرد و در برنامه ویژه‌ای به مناسبت بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد تأسیس ارتش سرخ، در ۲۲ فوریه ۱۹۴۴، از شبکه CBS پخش شد.

کارگردانی این برنامه برعهده نورمن کوروین و موسیقی آن از برنارد هرمن بود و هنرمندانی چون: هستر ساندر گارد (Hester Sondergaard) و ویل گیر (Geer Will) اجرای آن را برعهده داشتند. کمیته نویسنده‌های جنگ این برنامه را برای گروه‌های آموزشی ارسال کرد و به عنوان بهترین اجرای نمایشی سال ۱۹۴۴ معرفی نمود.

۱۲- در سال ۱۹۴۶ شبکه CBS از پرل خواست نمایش مستندی را درباره به دار آویختن جنایتکاران جنگی نازی در نورنبرگ، جهت پخش در ساعات پرشنونده در سالگرد چنین روزی، یعنی ۱۶ اکتبر ۱۹۴۶، تهیه کند. این نمایش با عنوان طناب‌دار خالی (Noose Empty) با تأکید بر ارتباط میان افکار جنایتکاران جنگی و آنچه که از آن به عنوان ریشه فاشیسم در آمریکا یاد می شود، پایان می یابد. در این نمایش از مواردی چون: درخواست از یکی از مردان کمونیست اتحادیه یا انجمن برای از هم پاشیدن آن تشکیلات، کور کردن آیزاک وودوارد

(Issac Woodward)، دامپزشک سیاه‌پوستی که در جنوب زندگی می کند، پرتاب آجر از پنجره یک کلیسا به سوی کارگران خدمات و نقاشی که در پیاده رو خیابان مشغول به کار هستند، با شعار یهودیان را به قتل برسانید (Kill the Kikes)، یاد می شود.

فعالیت‌های بعدی پرل عبارت بودند از: تولیدات برادوی در سال ۱۹۵۳ با عنوان دنیای شالوم آلیخم (World of sholom Alichem) و نوشتن برای نمایش تلویزیونی سمت شرق، سمت غرب (East side, westside) که به عنوان دستیار فیلم نامه‌نویس و با همکاری اوسی دیویس (Ossie Davis) برای برنامه نمایشی پنبه به هارلم می آید (ToHarlem Gotton Comes) براساس داستان کارآگاهان سیاه‌پوست چستر هیمز (Chester Himes)، به کارگردانی اوسی دیویس در سال ۱۹۷۰ مشغول به کار بوده است.

از دیگر کارهای پرل، یک برنامه مستند درباره مالکوم ایکس (Malcom X) و تألیف فیلم نامه برای فیلم سینمایی زندگی نامه مالکوم ایکس بود که تا حدودی برای او اعتبار لازم برای فیلم اسپایک لی (Spike Lee) را به ارمغان آورد.

۱۳- در رادیوی نیروی هوایی ارتش که برنامه اولین پرواز را تهیه کرد، هنرمندان پیشین گروه تئاتر از قبیل سرجوخه مارتین ریت (Corporal Martin Ritt)، شرکت داشتند و برخی از قطعات موسیقی آن برعهده گروهان المر برنشتاین بوده است.

ریت بعدها کارگردان تئاتر شد و در سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۱، زمانی که نامش در لیست سیاه قرار گرفت، مسئولیت کارگردانی و بازی در نمایش‌های زنده تلویزیونی را برعهده داشت. به همین دلیل تصمیم گرفت تا با کار در صحنه و تدریس بازیگری از خودش حمایت کند تا سال‌های پس از ۱۹۵۶، که به او پیشنهاد کارگردانی فیلم داده شد. پس از جنگ، برنشتاین برای برخی از برنامه‌های رادیویی سازمان ملل، موسیقی تدوین می کرد و پس از آن در سال ۱۹۵۱ کار در سینما را آغاز کرد.

منبع:

این مقاله ترجمه قسمتی از فصل دهم کتاب Radio Reader است که به زودی توسط دفتر تحقیق و توسعه صدا منتشر خواهد شد.